



# پیشرفت با طعم عدالت

تمام فعالیت‌های اقتصادی که دور و بر خودتان یا هر جای دنیا مشاهده می‌کنید، انواع متنوع و مشخصی دارند که شناخت این دسته‌بندی‌ها می‌تواند برای شما در طی مسیر فعالیت حرفه‌ای و اقتصادی راهگشای خوبی باشد. همچنین می‌تواند برای تحلیل فضای اقتصاد کلان و روش‌های مدیریت اقتصادی، به شما دید بدهد. از طرف دیگر، نوعی شناخت راه مشارکت‌گرفتن از سایرین و جمع‌آوری سرمایه نیز به شمار می‌رود. فعالیت‌های اقتصادی یا به صورت خصوصی اداره می‌شوند، یا به صورت دولتی یا به روش تعاونی. اما هر کدام از این‌ها به چه معناست و چه مزایا و معایبی دارد.

## فعالیت دولتی

دولت در همه دنیا نقش بزرگ و تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد دارد. هر چند این نقش‌ها متفاوت هستند. در روش فعالیت اقتصادی دولتی، شرکت‌ها و سازمان‌های اقتصادی را دولت اداره می‌کند. اعضای این شرکت و سازمان‌ها به گونه‌ای کارمند دولت هستند. معمولاً این شرکت‌ها فعالیتشان به حوزه‌های بزرگ اقتصادی و صنعتی شامل بانک‌ها، بیمه‌ها و صنایع بزرگ مربوط است و دولت به طور مستقیم خودش بر آن‌ها نظارت و مدیریت می‌کند تا به درآمدزایی برسند و دولت درآمد به دست آمده را در امور کشور هزینه می‌کند. خوبی این روش آن است که امور می‌تواند مدیریت یکپارچه و یکدست داشته باشد. از طرف دیگر، درآمدها برای همه کشور هزینه می‌شوند.

اما بدیهی‌هایی هم دارد. در این روش مردم در اقتصاد نقش زیادی ندارند. این نوع اقتصاد پر از انحصار است و انحصار می‌تواند فساد ایجاد کند. اگر هم کسی غیر از دولت بخواهد وارد یک صنعت بشود و سرمایه‌گذاری کند، فضایی برای این کار ندارد و طبیعی است هیچ‌کس نمی‌تواند با دولت رقابت اقتصادی کند. یک عیب بزرگ دیگر این روش هم این است که کارکنان فعالیت اقتصادی کارمندند. یعنی سود و ضرر محصولات روی درآمد آن‌ها تأثیری ندارد و آن‌ها حقوق مشخصی از دولت دریافت می‌کنند. این یعنی نمی‌توان چندان انتظار داشت که محصول تولیدشده همیشه از لحاظ کیفیت دقت بالایی داشته باشد یا هزینه تمام‌شده محصول بالا نرود؛ در غیر این صورت یا باید قیمت محصول را بالا ببرند یا اینکه آن را با ضرر بفروشند!

## فعالیت خصوصی

در این نوع فعالیت اقتصادی، افراد صاحب کسب‌وکارها هستند. یعنی کسانی که سرمایه‌ای دارند یا با روش‌هایی درست توانسته‌اند سرمایه فراهم کنند، می‌توانند کسب‌وکار راه بیندازند و محصولاتشان را در بازار عرضه کنند. معمولاً برای نظم‌دادن به این شرکت‌ها و رقابت آن‌ها با هم یک داور وجود دارد تا رقابت‌های بین شرکت‌های خصوصی عادلانه باشد و آن داور قوانین دولت‌هاست. یعنی دولت‌ها بر فعالیت شرکت‌ها و همچنین بر رقابت بین آن‌ها نظارت می‌کنند. خوبی‌های این روش را می‌توان در این دانست که برخلاف روش قبلی، مردم نقش زیادی در اقتصاد دارند. سرمایه‌های مردمی می‌توانند وارد چرخه اقتصاد شوند و این بر سرمایه‌های درون بازار می‌افزاید و می‌تواند به پیشرفت جامعه کمک کند، چون برای اداره اقتصاد هر کشور نمی‌شود فقط روی سرمایه‌های دولت حساب کرد، چون محدودند. البته همین که افراد حقیقی بالای سر کسب‌وکارها هستند نه دولت، باعث می‌شود حواس آن‌ها به قیمت تمام‌شده محصول و اینکه کارکنانشان چقدر کاربلد هستند بیشتر باشد، چون سود یا ضرر محصول کاملاً به صاحب کسب‌وکار برمی‌گردد و او برای اینکه ورشکست نشود، چاره‌ای جز بالا بردن و حفظ کیفیت و جلب رضایت مشتری ندارد.

اما این نوع فعالیت بدیهی‌های قابل تأملی دارد. در این روش فعالیت اقتصادی، اصل بر سرمایه است. یعنی هر کس سرمایه بیشتری داشته باشد، صاحب موقعیت‌های اقتصادی بیشتری هم می‌شود. حتی در شرکت‌های خصوصی هم که سهامدار



هم نیرو و قوت کارشان را.

ممکن است هر کدام از ما سرمایه کافی برای راه اندازی یک کسب و کار نداشته باشیم. چند نفری را هم از دوستان یا آشنایان یا همسایه‌ها بشناسیم که وضعیت مشابهی دارند. اگر این افراد سرمایه‌هایشان را روی هم بگذارند، مقداری می‌شود که می‌تواند برای شروع کار و کاسبی مناسب باشد. تعاونی همین روش را پیشنهاد می‌دهد. افرادی که سرمایه کمی دارند و می‌خواهند کار کنند، سرمایه‌هایشان را روی هم بگذارند و با هم کار کنند. در این روش، همه افراد در تصمیم‌های اداره تعاونی یک رأی دارند و این به میزان سرمایه‌گذاری افراد ربطی ندارد. البته سود حاصل از شرکت تعاونی به اندازه میزان سهام هر فرد متفاوت است. اما این گونه نیست که هر کس سهام بیشتری داشت، رئیس باشد و لازم نباشد کار کند. در واقع، میزان سرمایه افراد تعیین‌کننده جایگاهشان نیست.

این روش هم باعث می‌شود مردم در اقتصاد نقش اساسی داشته باشند و هم اجازه نمی‌دهد بین افراد فاصله طبقاتی، به خاطر پول داشتن یا نداشتن، ایجاد شود. از طرف دیگر، می‌تواند به عدالت اجتماعی کمک زیادی کند و برای همه با هر میزان سرمایه قابل انجام است. فقط کافی است با چند نفر از افراد دوست یا آشنا یا حتی همسایه‌تان یا علی بگویند و پول‌هایشان را روی هم بگذارید و با هم کار راه بیندازید.

برای جامعه خوب، باید پیشرفت با عدالت همراه باشد، نه پیشرفت بدون عدالت بین افراد. فعالیت تعاونی این راه را ساده‌تر می‌کند.

یا چند سرمایه‌گذار دارند، آن کسی که بیشتر از بقیه سرمایه گذاشته است، حق رأی بالاتری دارد و بسیاری از اوقات خودش رئیس می‌شود. این باعث می‌شود کسانی که سرمایه ندارند، یا همیشه مجبور باشند برای سرمایه‌دارها کار کنند، یا اینکه خودشان به سرمایه برسند و عده دیگری برای او کار کنند. خلاصه‌اش می‌شود آنکه فاصله طبقاتی بین مردم ایجاد شود و عدالت رعایت نشود. در بعضی کشورهای اروپایی و آمریکایی که اقتصادشان بر پایه اقتصاد خصوصی است، با اینکه در ظاهر به خاطر سرمایه‌گذاری‌ها پیشرفت کرده‌اند، اما فاصله طبقاتی بسیار زیاد است. عده کمی که سرمایه‌دار هستند، اوضاع خوبی دارند و بقیه باید برای آن‌ها کار کنند. در واقع، هر کس سرمایه بیشتری داشته باشد، احترام بیشتری هم دارد و این با آموزه‌های دینی همخوانی ندارد.

## فعالیت تعاونی

شاید بتوان گفت بهترین روشی که برای فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد، طوری که خوبی‌های روش‌های قبل را داشته باشد و بدی‌هایشان را کمتر کرده باشد، همین روش است. در فعالیت تعاونی، افراد با سرمایه‌های متفاوت دور هم جمع می‌شوند و دو چیز را با هم به اشتراک می‌گذارند: سرمایه و کار. در روش فعالیت خصوصی، کسانی که سرمایه‌دار شرکت هستند، اجباری نیست که کار کنند و بیشتر وقت‌ها نیز همین است. آن‌ها فقط سرمایه دارند. اما در شرکت‌های تعاونی، افراد با هر میزان سرمایه‌ای که دارند، هم سرمایه‌شان را با هم شریک می‌شوند و